

وسپس از این انتقال نظر خود را بیان می کند . سوال دوم این است که (why do you think so?) جواب این سوال در بردارنده دلایل دانش آموز برای اثبات عقیده اش است . بی شک این سوال باعث می شود که یادگیری به صورت معناداری (meaningful learning) رخ دهد. ماحصل یادگیری معنادار ، رهایی از شیوه طوطی وار (parrot-fashion) است که هم از لحاظ تجربی وهم از لحاظ علمی کاملاً رد شده است . سوال سوم این است که : (! " prove it) این سوال در ادامه سوالات قبل باعث می شود دانش آموزان دلایلش را برای جوابش برشمارند . این سوال دانش آموز را مجبور می کند تا برای نتیجه گیری اش مدرک ارایه کند . ممکن است در این سوال رجوعی دوباره به متن لازم شود که البته این خود تأثیر مهمی در تعمیق یادگیری دارد . پیشنهاد می شود معلمان این شیوه سه سوالی را در صورت ممکن همیشه پیش گیرند . اگرچه در مراحل اولیه ممکن است که دانش آموزان در جواب ویا ارائه دلایل برای جوابهای خود خیلی موفق نباشند اما بی شک با گذر زمان پیشرفتهای بسیار خوبی حاصل خواهد شد .

نکته ضروری این است که معلمان باید سعی کنند از پرسیدن سوالاتی که جواب آنها بطور مستقیم از متن بر می آید اجتناب کنند و بجای آن ترجیحاً از دانش آموزان بخواهند که خلاصه یا تفسیری از متن ارائه دهند .

از دیگر فعالیتهای پس از خواندن : نمایش ، ارائه گزارش ، ایفای نقش (role-play) (و بحث و مناظره را می توان بر شمرد که هر کدام از آنها زمینه یادگیری هر چه بهتر و بیشتر متون را فراهم می آورند .

نکته دیگر این است که معلم تا اطمینان کامل از یادگیری یک درس حاصل نکند نباید به درس بعدی بپردازد . زیرا بسیاری از اندیشمندان معتقدند یادگیری تمام و کمال یک متن بهتر از خواندن چندین متن بدون دریافتن درست آنها است .

حال اگر تمام مراحل و توصیه های فوق اجرا شد اما تعدادی از دانش آموزان در خواندن نا موفق بودند چه باید کرد ؟

معلم باید از دانش آموز چه انتظاری داشته باشد؟ و چگونه می تواند خوانندگان موفق را از خوانندگان ناموفق تشخیص دهد؟

جواب دو سؤال فوق بستگی به تعریف کاربردی معلم از دو راه (موفق و معنی دار، بازسازی موفقیت آمیز معنی همانند پردازش کامل یک متن نیست و این تعریف خصوصاً در خواندن زبان دوم صادق است. خواندن موفقیت آمیز به این معنی نیست که دانش آموزان لزوماً باید تمام واژگان و نکات دستوری را بدانند. و بر آنها تسلط داشته باشند. دانش آموزان برای درک پیام نویسنده لازم نیست بر هر عنصر زبانی ای تسلط داشته باشند، بلکه خوانندگان موفق، معنا و مفهوم متن را درک می کنند بدون اینکه بر واژگان و دستور تامل زیاد از حد بکنند.

اندرسون (۱۹۸۴) خوانندگان را در سه سطح زیر تعریف می کند:

۱- خوانندگان که ۹۰ تا ۱۰۰ درصد مفهوم را درک می کنند: به این سطح (independent) گفته می شود.

۲- خوانندگانی که ۷۵ تا ۸۹ درصد مفهوم را درک می کنند به این سطح (instructional) گفته می شود.

۳- خوانندگانی که کمتر از ۵۰ درصد مفهوم را درک می کنند به این سطح (frustration) گفته می شود.

اگر معلم زبان از سطوح فوق آگاهی داشته باشد دیگر از دانش آموزان انتظار نخواهد داشت که تمام معنی را درک کنند. و برعکس بیشتر سعی خواهد کرد به عواملی که نشان می دهند یک دانش آموز در سطح frustration حساسیت نشان دهد و توان خود را برای کمک به این دانش آموز متمرکز کند.

حال سؤال این است که یک معلم برای کمک به دانش آموزانی که در خواندن و دریافت معنی دچار frustration می شوند چه اقداماتی باید انجام دهد؟ قدم اول معین کردن تعداد دانش آموزانی است که:

در خواندن و دریافت معنی ناتوانند ۲- قادر به تکمیل موفقیت آمیز فعالیتهای پس از خواندن نیستند اگر تعداد زیادی از دانش آموزان در درک متن احساس ناتوانی می کنند ، معلم باید در مواد آموزشی که تدریس می کند تجدید نظر کند . شاید متن مورد تدریس براساس دانش قبلی دانش آموز نبوده یا شاید از لحاظ پیچیدگی زبانشناسی ، فراتراز سطح آنها باشد. عامل دیگر ممکن است مشکل از متن (reading) باشد نه از جانب دانش آموزان . اگر چنین باشد معلم باید سعی کند مواد آموزشی ای را انتخاب کند که هم در سطح دانش آموزان باشد وهم بر اساس علاقه و تمایل آنها.

یکی از مشکلات ما در حل معضلات فوق این است که معلمان ، هیچ گونه نقشی در تدوین کتب درسی ندارند . از طرفی تحقیقات خاصی از سوی برنامه ریزان کتب درسی در مورد محتوای این کتب و میزان انطباق آنها بر علاقه دانش آموزان صورت نگرفته است (اگر هم تحقیقات جزئی ای صورت گرفته است تاثیرات آن بر نحوه تدوین کتب درسی ، آن گونه که باید اعمال نشده باشد). حتی گاهی شنیده می شود که برخی عدم تغییر محتوای کتب راطی سالیان متمادی ناشی از توفیق خود می دانند ، در حالی که اصلاً این چنین نیست :

ملاک ما برای موفق یا ناموفق بودن یک کتاب، نتیجه های حاصل از تدریس آن کتاب است . تحقیقات نشان می دهد که ما در تدریس زبان انگلیسی از توفیق بالایی برخوردار نبوده ایم . به نظر می رسد برای حل این مشکل باید نوعی انعطاف پذیری در برنامه ریزی کتب درسی اعمال شود و شرایط منطقه ای و بومی هر استانی در تدریس این کتب در نظر گرفته شود . اقدام دیگر بررسی کم و کیف فعالیتهای پیش از خواندن (pre reading) است . معلم باید دقت خود را در این فعالیتهای مورد بررسی قرار دهد . عدم موفقیت اغلب دانش آموزان در خواندن، ناشی از ناکارایی معلم در آماده کردن آنهاست .

سؤال این است که معلم به چه طریقی باید انواع مشکل را کشف کند ؟
معلم به دو طریق می تواند مشکل دانش آموزان را کشف کند : ۱- از آنها بخواهد تا راهبرد های خود را به هنگام خواندن توصیف کنند ۲- خود شخصاً راهبردهای مورد

استفاده دانش آموزان را وقتی که متنی را با صدای بلند می خوانند به دقت مورد توجه قرار دهد.

(گودمن) (۱۹۸۰) شیوه ای را برای شناسایی نقاط ضعف دانش آموزان پیشنهاد می کند که تحلیل خطا نام دارد. یک خطا زمانی رخ می دهد که پاسخ مشاهده شده دانش آموز با پاسخ واقعی (مورد نظر) متفاوت باشد، زمانی که دانش آموز متن را با صدای بلند می خواند یا محتوای آن را بازگویی می کند، معلم پاسخ اشتباه او را تجزیه و تحلیل می کند تا به این طریق درک و نگهداری معنی توسط دانش آموز را بررسی کند. تحقیق گودمن به اظهِارات زیر منتتهی شد:

معمولاً خوانندگان قوی و کارآمد مقدار زیادی از داستان را بازگویی می کنند و خطاهایی را تولید می کنند که باعث اخلال در دریافت معنی داستان نمی شود. در مقایسه، بسیاری از خوانندگان ضعیف و ناکارآمد خطاهایی را مرتکب می شوند که باعث اخلال در دریافت معنی می شود. بنابراین واقعیت این است که هدف از آموزش خواندن رفع خطاها نیست بلکه هدف این است که به خوانندگان کمک شود تا خطاهایی را تولید کنند که باعث اخلال در دریافت معنی نشود. (همانند خطاهای تولید شده از سوی خوانندگان متبحر). هاوزن فیلد و دیگران (۱۹۸۱) برخی از راهبردهای موفق خوانندگان را به صورت زیر می شمرند:

خوانندگان با مهارت کسانی هستند که: ۱- برای معنی می خوانند، ۲- لغات ناشناس را جامی گذارند یا معنی آنها را براساس متن حدس می زنند، ۳- در خواندن از دریافت پیشین و پسین بهره می گیرند ۴- ساخت های دستوری را شناسایی می کنند. ۵- اعتبار حدس های خود را ارزیابی می کنند ۶- براساس عنوان متن پیش بینی هایی را انجام می دهند ۷- (باوجود مواجهه بایک مشکل) به خواندن ادامه می دهند ۸- لغات متجانس (cognate) را تشخیص می دهند ۹- پیش بینی هایی را براساس دانش خود از جهان انجام می دهند ۱۰- لغات غریب را تجزیه و تحلیل می کنند ۱۱- متون را بااین انتظار که در بر دارنده معنی هستند می خوانند ۱۲- برای معنی می خوانند نه برای زبان ۱۳- تمایل دارند

حدس بزنند ۱۴- از تصاویر و مثالها بهره می گیرند ۱۵- از شرح ها و تفاسیر استفاده می کنند ۱۶- بعنوان آخرین چاره به معنای لغت نگاه می کنند ۱۷- واژه های بی اهمیت را جا می گذارند ۱۸- براساس پیش بینی های خود حرکت می کنند ۱۹- از سرنخهای بافتی (contextual-cues) استفاده می کنند .

آنچه از توضیحات فوق برمی آید در بر دارنده این است که عمده مشکلات دانش آموزان در خواندن ناشی از عواملی است که تا حد زیادی ربطی به خود آنها ندارند . برخی از مشکلات به شیوه تدریس معلم و برخی به شیوه انجام فعالیتهای مقدماتی و پایانی بر می گردد، و برخی دیگر نیز ناشی از عدم انطباق مواد آموزشی با دانش قبلی و سطح توانایی دانش آموزان است .

حل مشکلات فوق و پی گیری راهبردهای تدریس خواندن منجر به موفقیت معلمان در پرداختن به این مهارت اساسی می شود، مهارتی که پایه و اساس تمام پیشرفتهای زبانی محسوب می شود .

چکیده مقالات فارسی

به زبان انگلیسی

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چکیده انگلیسی مقاله:

« درباره مفهوم واج: نگاهی به فارسی »

عطاء الله ملکی

On the concept of phoneme A look farsi

Phoneme is a basic element which results from the segmentation of utterances. It is considered as a class rather than an entity . this fact is shown through a rather oblique analysis of a higher level , i. e. morphology . Phonemes have different phonetic representations in different contexts . Two phonetic realizations of a phoneme are in complementary distribution ,because they occur in mutully exclusive environment. If they .on the other hand , contrast, they are said to be un parallel distribution. World languages may include similar lists of phonemes with different Distributions.

چکیده انگلیسی مقاله :

« بررسی مهارت خواندن و اهمیت آن در آموزش زبان خارجی »

Reading Skills and Its Significance in TFL

By Reza Sahrai

Reading is a process involving activation of relevant knowledge and related language skills to accomplish an exchange of information from one person to another. So reading is a very active skill and, as Perfetti (1948) defines, "reading is thinking guided by print". The final goal of reading is meaning. Teaching reading involves three stages: pre-reading, while-reading, and post-reading which go in order to succeed in "reading". Being aware of different strategies is a crucial point. Besides, the selection of appropriate material is very important. Reading skill has got many other aspects, which have been investigated in this article.

چکیده فارسی مقاله : **VERS LA FORMULATION CRITERES**
D' EVALUATION
DE LA TRADUCTION PEDAGOGIQUE
A L' UNIVERSITE

نوشته : اوزید باریکی - دانشگاه ایلورین نیجریه

اصول و قواعد ارزیابی آموزش ترجمه در دانشگاه

در آموزش زبان و به ویژه آموزش ترجمه ارزیابی صحیح ساختارهای گوناگون پیوسته مورد توجه بوده ، زیرا بدین طریق می توان به نواقص و کمبودهای احتمالی آموزش پی برد و نیز درباره دانش و عملکرد یادگیرنده قضاوت نمود . ارزیابی فقط به بررسی نتیجه تلاش زبان آموز بسنده نمی کند بلکه روش تدریس و شیوه کار مدرس رانیز در بر می گیرد . ابزارهای اندازه گیری آموزش برای قضاوت درباره دانش و عملکرد یاد گیرنده دارای ویژگی هایی است در این ارزیابی باید اصول و قواعدی را رعایت کرد و مدرس نباید بصورت سلیقه ای عمل نماید .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی